

پیام‌ها و نگرانی‌های بزرگی پیامبر (ص)

جواد محدثی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیم‌ها و نگرانی‌های بزرگ پیامبر (ص)

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

جوان

فهرست

۵	فهرست
۶	بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر(ص)
۶	مشخصات کتاب
۶	بیم ها و نگرانیهای بزرگ پیامبر (ص)
۶	سرنوشت رهبری
۷	مظلومیت اهل بیت
۷	هواپرستی امت
۸	دنیا زدگی
۸	فتنه و گمراهی
۹	سلطه و نفوذ منافقان
۱۰	جعل و نسبتهای دروغ
۱۰	تکذیب تقدیر و تصدیق نجوم
۱۰	پاورقی

بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر (ص)

مشخصات کتاب

نمایه سازی قبلی : نمایه سازی قبلی
 شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۵-۱۹۷۹۱
 سرشناسه : محدثی، جواد
 عنوان و نام پدیدآور : بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر (ص)/جواد محدثی
 منشا مقاله : جوان ، ۲۶ مرداد ۱۳۸۵ : ص ۵
 توصیفگر : محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق.، پیامبر اسلام
 توصیفگر : دنیا طلبی
 توصیفگر : رهبری
 توصیفگر : اهل بیت

بیم ها و نگرانیهای بزرگ پیامبر (ص)

همچون هر باغبان دلسوز و زحمت کشیده‌ای که عمر خود را پای نهالها و بذرهايش گذاشته و در سالهای پیری، نگران باغ پس از خویش است، پیامبر رحمت و معلم بشریت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز، در سالهای آخر عمر، نگران وضع امت پس از رحلت خویش بود. نگرانیهای پیامبر صلی الله علیه و آله، در زمینه‌های مختلف بود، چرا که آفتها و عارضه‌هایی که دامنگیر انسان میگردد، متفاوت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن سالها، نگرانی خویش را نسبت به وقوع این حوادث - پس از خویش- ابراز داشته و آنها را پیش بینی کرده بود. برخی از این موضوعات نگران کننده، حاکی از نوعی رجعت در امت مسلمان است، یعنی کم‌رنگ شدن ارزشهای الهی و اسلامی و احیای دوباره معیارهای جاهلی و سر بر آوردن خوی و خصلتهای غیر انسانی، که به برکت اسلام، قطع شده بود و در عصر پس از رسول، بار دیگر جان گرفت و معیارها را برهم زد. این نوع رجعت به جاهلیت، که از نگرانیهای عمده آن حضرت بود، برای هر مصلحی که با رهبری خویش، امتی و فرهنگی و نظامی پدید آورده باشد، وجود دارد، چرا که نسل دوم و سوم در یک حرکت انقلابی و نهضت اصلاحی، اغلب دارای آن روحیات، باورها، انگیزه‌ها، شناختهای عینی و تجربه‌های محسوس انقلابیون اولیه و سابقون نیستند و زمینه سیر قهقرايي و بازگشت به شرایط پیش از تحول و نهضت، در آنان فراهمتر است و دشمنان هم از همین زمینه ها بهره میگیرند و به دگرگون سازی فرهنگ انقلاب میپردازند. اینک بر نگرانیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله مروری میکنیم، تا دستمایه عبرت و الهام برای امروز ما باشد. حضرت علی علیه السلام میفرماید: کنار پیامبر خدا نشسته بودیم. حضرت سر بر دامن من گذاشته بود و چشمانش در خواب. سخن از دجال میگفتیم و بیم از اغواگریهایش، که پیامبر بیدار شد و با چهرهای بر افروخته فرمود: بیش از دجال، بر شما از غیر دجال بیمناکم. بیم من از پیشوایان و زمامداران گمراه گر و ریخته شدن خون خاندانم پس از من است.

سرنوشت رهبری

برای رسول خدا به عنوان رهبر، تداوم راه بسیار مهم بود. فلسفه سیاسی اسلام نیز قالب امامت و وصایت را برای تداوم راه پیامبر و

استمرار حاکمیت اسلامی پس از رحلت آن حضرت، پیشینی کرده بود. بارها و بارها آن حضرت، نسبت به جانشینی خویش و وصی خود، سخن گفته، رهنمود داده و تکلیف را معین کرده بود. اما صریحترین و اساسیترین و به یاد ماندنیترین شکل آن اعلام و تعیین، حادثه غدیر خم بود، آن هم با فرمان صریح و قطعی خداوند که حکم پروردگار را به مردم ابلاغ کند. نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک... [۱] در این راستا بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله بازم بيمناک از پیامد این اعلام، و نگران از واکنش مردم نسبت به آن بود، چون رگ و ریشه‌های جاهلی بازمانده در فکر و دل برخی از اصحاب را می‌شناخت و کمی تأمل و درنگ نسبت به اظهار و ابلاغ آن پیام داشت. [۲] تأکید آیه بر این که خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند؛ والله يعصمک من الناس اشعار به همین دلواپسیهای پیامبر خدا دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این که قریش، پس از رحلت آن حضرت با علی علیه السلام و مساله خلافت چه خواهند کرد و مظلومیت این خاندان و کنار زدن امیرمومنان از صحنه سیاسی و حق قطعی و مشروعش، بارها اظهار نگرانی کرده بود و وقایع بعدی را به حضرت علی علیه السلام یادآور شده بود. آن پیامبر دلسوز و آینده نگر، پیشینی می‌فرمود که فاسقان و طغیانگران قریش، علی علیه السلام را مظلوم سازند [۳] و به آن حضرت چنین ابراز می‌کرد که: بیم آن دارم که اگر بر سر خلافت و حق خویش با آنان به کشمکش پردازم و منازعه کنی، تو را بکشند. [۴] و می‌فرمود: اما التي اخافها عليه، فغدر قریش به من بعدی؛ [۵] آنچه که نسبت به آن بیم دارم، آن است که قریش پس از من با او از در نیرنگ و حيله در آیند. و دیدیم که نگرانی حضرت رسول اکرم بجا بود و مظلومیت و محرومیت ۲۵ ساله امیرالمومنین از حق خویش، شاهدش. پیامبر اکرم فرمود: بیشترین بیمی که بر امت خودم پس از خویش دارم، کسبهای حرام و درآمدهای نامشروع و شهوت پنهانی و رباست. سرمستی مال و طغیان ثروت، خلیها را بر زمین میزند و بسیاری از مدعیان ایمان، از آزمایش پول موفق بیرون نمی‌آیند و پای اراده شان در لغزشگاه مال دنیا می‌لغزد و به عیاشی و بیدردی مبتلا میشوند.

مظلومیت اهل بیت

کینه‌های قریش نسبت به بنی‌هاشم و پیامبر و عترت او، از بین رفتنی نبود. پیامبر هم با چشم بصیر خویش، آینده و مظلومیت خاندانش را میدید و بارها با علی علیه السلام و زهرا علیها السلام در این باره سخن گفته و خون گریسته بود. از سخنان اوست که: ابکی لذریتی و ما تصنع بهم شرار امتی من بعدی. [۶]. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کنار پیامبر خدا نشسته بودیم. حضرت سر بر دامن من گذاشته بود و چشمانش در خواب. سخن از دجال میگفتیم و بیم از اغواگریهایش، که پیامبر بیدار شد و با چهرهای برافروخته فرمود: بیش از دجال، بر شما از غیر دجال بيمناکم. بیم من از پیشوایان و زمامداران گمراه گر و ریخته شدن خون خاندانم پس از من است. [۷]. این نگرانیها را حتی در زمان خویش نسبت به مکر و دشمنی یهود با عترتش نیز داشت. در واقعه گم شدن امام حسن و امام حسین علیهما السلام در دوران کودکی و نگرانی پیامبر و حضرت زهرا علیها السلام نسبت به جان آن دو فرزند عزیز و یافته شدن آن دو در زیر درختی در باغ ابی دحداح، پیامبر نگرانی و بیم خویش را از کید یهود نسبت به جان حسن و حسین علیهما السلام ابراز فرمود. [۸]. این رشته، بسیار دراز دامن است و به همین اشاره بسنده می‌کنیم.

هواپرستی امت

بیشترین نقلهای روایی درباره نگرانی پیامبر، نسبت به همین موضوع است، یعنی عارضه تبعیت از هوای نفس و در سر پروراندن آرزوهای دور و دراز، که نشانه وابستگی به دنیا و مظاهر آن است؛ نتیجه طبیعی این دو بیماری اخلاقی، دور شدن از حق و فراموش کردن قیامت است و همین، برای سقوط یک فرد یا امت کافی است. این نگرانی با تعابیر متفاوت و متواتر نقل شده که به چند نمونه اشاره می‌شود: ان اخوف ما اخاف علیکم اتباع الهوی و طول الامل، اما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره؛

[۹] آنچه که بیش از هر چیز بر شما بیم دارم، پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز است؛ هواپرستی، - آدمی را- از حق باز میدارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد انسان می برد. این مضمون با عباراتی شبیه همین، از حضرت علی علیه السلام و امامان دیگر نیز نقل شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر فرموده است: شر ما اتخوف علیکم اتباع الهوی و طول الامل، فاتباع الهوی یصرف قلوبکم عن الحق و طول الامل یصرف هممکم الی الدنیا...؛ [۱۰] بدترین چیزی که بر شما بیمناکم، پیروی از هوای نفس و طول آرزوست؛ هواپرستی، دلہایتان را از حق برمیگرداند و آرزوی دراز، ہمتہای شما را بہ دنیا مصروف می سازد... بیشترین نقلہای روایی دربارہ نگرانی پیامبر، نسبت بہ عارضہ تبعیت از هوای نفس و در سر پروراندن آرزوہای دور و دراز، کہ نشانہ وابستگی بہ دنیا و مظاهر آن است، نتیجہ طبیعی این دو بیماری اخلاقی، دور شدن از حق و فراموش کردن قیامت است و ہمین، برای سقوط یک فرد یا امت کافی است. پیامبر اکرم میفرماید: آنچه کہ بیش از هر چیز بر شما بیم دارم، پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز است؛ هواپرستی، - آدمی را- از حق باز میدارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد انسان می برد.

دنیا زدگی

نگرانی دیگر پیامبر آن بود کہ با دست یافتن مردم بہ مال و ثروت و چشیدن شیرینی دنیا، دلہای آنان دنیازدہ شود و از ارزشہا دست بشویند و در کسبہا و در آمدہا مراعات حلال و حرام ننمایند و ہدفشان انباشتن ثروت و افزودن مکنت باشد، از ہر راہ کہ باشد. نتیجہ این دنیازدگی، فراموشی خدا و آخرت و در نہایت، سقوط اخلاقی است و دور شدن از سادہ زیستی و گرفتاری در دام تجملات. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید: لکنی اخاف ان یفتح علیکم الدنیا بعدی فینکر بعضکم بعضا و ینکر کم اهل السماء عند ذلک؛ [۱۱] بر شما از آن بیم دارم کہ پس از من دنیا بہ روی شما گشودہ شود (و بہ دنیا و ثروت برسید). آنگاہ یکدیگر را نشناسید! آن وقت است کہ آسمانیان ہم شما را نشناسند. و در بیانی دیگر چنین میفرماید: ان اخوف ما اتخوف علی امتی من بعدی ہذہ المکاسب المحرمہ و الشہوہ الخفیہ و الربا؛ [۱۲] بیشترین بیمی کہ بر امت خودم پس از خویش دارم، این کسبہای حرام و در آمدہای نامشروع و شہوت پنهانی و رباست. سرمستی مال و طغیان ثروت، خلیہا را بر زمین میزند و بسیاری از مدعیان ایمان، از آزمایش پول موفق بیرون نمیآیند و پای ارادہ شان در لغزشگاہ مال دنیا میلغزد و بہ عیاشی و بیدردی مبتلا میشوند. این نگرانی را رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذیل چند نگرانی دیگر بیان کردہ و این گونه اشارہ فرمودہ است: او یظہر فیہم المال حتی یطغوا و یبطروا؛ [۱۳] بیم آن دارم کہ... یا ثروت در میان آنان آشکار شود، تا آن جا کہ بہ طغیان و سرمستی برسند. و در حدیث دیگری تعبیر او دنیا تقطع رقابکم... [۱۴] آمدہ است، دنیایی کہ گردنہای شما را قطع میکند. حوادث پس از رحلت پیامبر و مسابقہ برخی از امت او در زراندوزی و دنیاطلبی و روی آوردن بہ کاخ نشینی و تجملات و عیش و نوش و... شاہدی بر درستی نگرانی رسول خدا از آیندہ امت خویش است.

فتنه و گمراهی

بہ ہم آمیختن حق و باطل و آشفته ساختن مرزها و معیارها و زیر پا گذاشتن اصول و انکار مسلمات دین، موجب میشود عدہای از ہدایت دست بشویند و گمراہ شوند. در این جا نقش آنان کہ کار فکری میکنند و با افکار و اندیشہای مردم سروکار دارند، حساستر است. دانایان و دانشمندان، ہمچنین زمامداران و مسئولان نیز در گمراہ شدن مردم نقش دارند و اگر بلغزند، جامعہ را بہ اشتباہ و لغزش میاندازند. در این زمینہا بہ چند حدیث اشارہ میکنیم: آن حضرت فرمود: انما اخاف علی امتی الائمہ المصلون...؛ [۱۵] بر امت خویش، از زمامداران گمراہ کنندہ بیمناکم. و فرمود: انی اخاف علیکم استخفافا بالدین و بیع الحکم و قطیعہ الرحم و ان تتخذوا القرآن مزامیر، تقدمون احدکم و لیس بافضلکم؛ [۱۶] بر شما از آن بیم دارم کہ دین، سبک شمردہ شود؛ حکم و داوری،

خرید و فروش شود؛ پیوندهای خانوادگی از هم بگسلد؛ قرآن را وسیله ساز و آواز قرار دهید و کسانی را جلو بیندازید که برترین شما نیستند. در حدیثی دیگر نگرانی پیامبر خدا از لغزش عالمان و مجادله منافقان با قرآن و دنیاطلبی بیان شده است و این که در این سه مورد، انسان باید خود را متهم بداند و از این لغزشگاهها مصون و در امان نپندارد. [۱۷]. همچنین گمراهی پس از هدایت، فتنه‌های گمراه کننده، شکم و شهوت، از عوامل دیگر نگرانی آن حضرت به شمار آمده است، آن جا که میفرماید: ثلاثه اخافهن علی امتی من بعدی: الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج. [۱۸]. در حدیثی سه خصلت دیگر موجب نگرانی حضرت رسول اکرم بیان شده است: یکی آن که قرآن را به غلط تاویل کنند و معانی و تفاسیر آن را نادرست و به دلخواه و مطابق سلیقه و گرایش خود معنی کنند، دیگر آن که در پی لغزش عالمان باشند تا از رهگذر مطرح ساختن اشتباهات علما، به فتنه‌گری و تشویش اذهان پردازند، سوم آن که با فراوان شدن مال و ثروتشان دچار اسراف و اتراف و طغیان و خوشگذرانی شوند. و اینک متن حدیث: انما الخوف علی امتی من بعدی ثلاث خصال: ان يتاولوا القرآن علی غیر تاویله او يتبعوا زله العالم، او يظهر فيهم المال حتی يطغوا و يبظروا... [۱۹]. در حدیثی سه خصلت که موجب نگرانی حضرت رسول اکرم بوده، بیان شده است: یکی آن که قرآن را به غلط تاویل کنند و معانی و تفاسیر آن را نادرست و به دلخواه و مطابق سلیقه و گرایش خود معنی نمایند، دیگر آن که در پی لغزش عالمان باشند تا از رهگذر مطرح ساختن اشتباهات علما، به فتنه‌گری و تشویش اذهان پردازند، سوم آن که با فراوان شدن مال و ثروتشان دچار اسراف و اتراف و طغیان و خوشگذرانی شوند.

سلطه و نفوذ منافقان

همیشه بزرگترین خطر برای هر نهضت و انقلاب، یا مکتب و آیین، تحركات عناصر نفوذی بیگانه به داخل مجموعه‌های خودی و انقلابی بوده است. نفاق، همزبانی و همراهی ساختگی دروغین کسانی با امت اسلام است که در دل، هیچ عقیده‌های به مبانی و ارزشها ندارند و با زبان بازی و زرنگی و همرنگی ظاهری، خود را داخل نیروها جا میزنند و از پشت ضربه میزنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول دوران حکومت در مدینه، با پدیده منافقان دست به گریبان بود، و عمیقتر آن که کسانی در زمره اصحاب و همراهان او بودند که در دل عقیده‌های به دین و رسالت نداشتند، اما با گفتن شهادتین و شرکت صوری در نماز و برنامه‌های دیگر، خود را در صفوف مسلمانان جا زده بودند و پس از رسول خدا، برای اعاده جاهلیت و شرک، به دست و پا افتادند و فتنه‌گریها کردند. نگرانی رسول خدا از این دشمنان خوش خط و خال اما زهر آگین بود، نه از مومن یا کافر، که ایمان یا کفر خویش را به صراحت اظهار میکردند. فرموده است: ولکنی اخاف علیکم کل منافق حلوا للسان...؛ [۲۰] از منافق شیرین‌زبانی بر شما بیمناکم که حرفهایش برایتان آشناست، ولی عمل و رفتارشان به گونه‌های است که نمیشناسید. در حدیث دیگر صریحتر بیان فرموده است: انی لا اتخوف علی امتی مومنا ولا مشرکا، فاما المومن فیحجزه ایمانه و اما المشرک فیقمعه کفره، ولکن اتخوف علیکم منافقا علیم اللسان، یقول ما تعرفون و یعمل ما تنكرون؛ [۲۱] من هرگز بر اتم از سوی مومن و مشرک بیمناک نیستم؛ مومن را ایمانش باز میدارد و مشرک را کفرش ریشه کن میسازد. لیکن نگرانی و بیم من بر شما از سوی منافق دانا زبان است که میگوید آنچه را میشناسید و عمل میکند آنچه را نمیشناسید. چنین منافقانی که مجهز به دانش دین و آشنا به زبان انقلاباند، در پیکره امت اسلامی نفوذ میکنند و به نام دین حرف میزنند و عمل میکنند و از درون ضربه میزنند. چنین کسانی پس از پیامبر خدا، بر سرنوشت دین و دنیا و حکومت و خلافت مسلط شدند و اوج آن، استیلائی امویان بر خلافت اسلامی بود که پس از قدرت یافتن، کفر درونی خویش را آشکار ساختند و ضربه‌های جبران‌ناپذیر زدند. معاویه و یزید را از بارزترین آنان میتوان شمرد. نگرانی رسول خدا از نقش منافقان، هشدار برای فرزندان انقلاب و مسلمانان آگاه است که نامحرم را به حریم نظام اسلامی راه ندهند و فریب چهره‌های انقلابی نما و حرفها و شعارهای فریبنده را نخورند که آنچه میگویند، تنها در نوک زبان است، نه در ژرفای دل و عمق باور.

دروغ بستن به رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در زمان حیات آن حضرت بود و آزارش میداد که کسانی حرفهایی را به دروغ از قول حضرتش نقل میکردند، هم نسبت به آینده و پس از وفاتش نگران آن بود که هر کس هر چه را میخواهد به او نسبت دهد و حاکمان برای توجیه مفاسد خویش یا کوبیدن هر کس و هر چیزی، به حدیثی ساختگی از زبان پیامبر، تمسک جویند. پیامبر اکرم کسانی را که به او دروغ بندند، نفرین و لعنت کرده است و وعده دوزخ بر ایشان داده است. [۲۲]. از جمله در خطابه بلیغ و تاریخی خویش در حجة الوداع، که بسیاری از گفتنیها، توصیهها، هشدارها و نگرانیها را بیان نمود، چنین فرموده است: قد کثرت علی الکذابه و ستکثرت، فمن کذب علی متعمدا فلیتبوا مقعده من النار؛ [۲۳] دروغ بستن بر من بسیار شده و در آینده هم افزایش خواهد یافت. پس هر کس به عمد، بر من دروغ بندد، جایگاهش را در آتش دوزخ فراهم سازد. شگفتا که این خطر و این جنایت، در زمان ما نیز وجود دارد و حضرت امام خمینی (ره) نیز این نگرانی را نسبت به آینده داشتند، از این رو در صفحه آخر وصیت نامه سیاسی، الهی خویش به صورت تذکر افزودند: اکنون که من حاضرم، بعضی نسبت‌های بی واقعیت به من داده میشود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض میکنم آنچه به من نسبت داده شده یا میشود، مورد تصدیق نیست، مگر آن که صدای من یا خط من و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم. [۲۴]. جالب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای تشخیص صحت یا نادرستی آنچه از قول او در آینده نقل میشود، معیار ارائه فرموده و آن، عرضه بر کتاب خدا است تا هر چه که مخالف قرآن کریم باشد، از اعتبار ساقط شود.

تکذیب تقدیر و تصدیق نجوم

از نگرانیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمینه سست شدن ایمانها و عقیدههای توحیدی، آن بود که مردم به تدریج به نقش خدا و تقدیرات الهی در حوادث، کم اعتقاد شوند، برعکس به آنچه منجمان و ستاره شناسان میگویند، دل بندند و تدبیر و برنامهها و تصمیمهای خود را بر اساس علم نجوم تنظیم کنند. در حدیثهای مکرری این نکته مطرح شده است، از جمله: اخاف علی امتی خصلتین: تکذیباً بالقدر و تصدیقاً بالنجوم. [۲۵]. ان اخوف ما اخاف علی امتی، التصدیق بالنجوم و التکذیب بالقدر و ظلم الامه. [۲۶]. در حدیث دوم، ظلم به امت نگرانی و بیم دیگری است که افزوده است. در حدیثی هم از سه نکته اظهار نگرانی فرموده است: یکی از ستم و تعدی حاکمان و مسئولان در حق مردم، دیگری تکذیب تقدیرات الهی و سوم باران طلبیدن از ستارهها و حرکت نجوم؛ یعنی به جای آن که خدا را منشا برکت آسمان و نزول باران بدانند و از او آب و باران بطلبند، این برکت را از ستارهها و جهش و سقوط آنها بدانند. این باور در جاهلیت وجود داشت، رسول خدا بیم آن داشت که روی آوردن به ستاره به جای خدا بار دیگر زنده شود و عقیده توحیدی خلل پذیرد. اینک متن حدیث نبوی: اخاف علی امتی ثلاثاً: استسقا بالانوا و حیف السلطان و تکذیباً بالقدر. [۲۷]. اینها برخی از نگرانیهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود که نسبت به آینده امتش و در دوره پس از خودش داشت و به تناسب آنها، هشدار می داد و موعظه میکرد. دامنه این بحث را میتوان گسترده تر از این قرار داد. آنچه خواندید، گذری شتابان از این وادی بود و در استخراج احادیث، عمدتاً به یک منبع (بحار الانوار) استناد شد، و گرنه سخن بسیار است و نگرانیهای حضرت رسالت نیز فراوان.

پاورقی

- [۲] بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۷۰.
- [۳] همان، ج ۳۹، ص ۳۴۲ و ج ۸۵ ص ۸۹.
- [۴] همان، ج ۳۳، ص ۱۵۳.
- [۵] همان، ج ۳۹ ص ۷۶ و ج ۴۰، ص ۲۹ و ۳۵.
- [۶] عوالم العلوم، حضرت زهرا (س)، ص ۳۹۲.
- [۷] بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۴۸.
- [۸] همان، ج ۴۳، ص ۳۱۳.
- [۹] همان، ج ۳۲، ص ۳۵۵.]
- [۱۰] همان، ج ۷۴، ص ۱۱۷، ۱۸۸، ۲۹۳ و ۲۹۶ و ج ۲، ص ۱۰۶.
- [۱۱] همان، ج ۷۹، ص ۱۳۷.
- [۱۲] همان، ج ۷۰، ص ۱۵۸ و ج ۱۰۰، ص ۵۴.
- [۱۳] همان، ج ۶۹، ص ۶۳.
- [۱۴] همان، ج ۷۰، ص ۹۲.
- [۱۵] همان، ج ۲۸، ص ۳۲.
- [۱۶] همان، ج ۶۹، ص ۲۲۷، ج ۷۱، ص ۹۲ و ج ۷۶، ص ۲۴۳.
- [۱۷] همان، ج ۲، ص ۴۹.
- [۱۸] همان، ج ۲۲، ص ۴۵۱، ج ۱۰، ص ۳۶۸ و ج ۶۸، ص ۲۶۹.
- [۱۹] همان، ج ۲، ص ۴۲ و ج ۶۹، ص ۶۳.
- [۲۰] همان، ج ۳۳، ص ۵۸۸.
- [۲۱] همان، ج ۲، ص ۱۱۰ و ج ۳۳، ص ۵۴۹ و ۵۸۲.
- [۲۲] اضواء علی السنه المحمديه، محمود ابوريه، ص ۶۲.
- [۲۳] سفینه البحار، ج ۷، ص ۴۵۶.
- [۲۴] ر.ک: وصیت نامه سیاسی، الهی امام خمینی (ره)، تذکرات پایانی.
- [۲۵] بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۲۷۷.
- [۲۶] همان، ص ۳۳۰.
- [۲۷] همان، ص ۳۳۰.